

«شهدا چه کسانی هستند؟» به قلم شهید «بهمن پوردیان»

شهدا زبان دردهایند؛ در میان بت‌ها ابراهیم و در میان بلاها ایوب‌اند

۹ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۱۰

شهدا، به جوش می‌آورند خون‌های سرد و بی‌حرکت را، به هوش می‌آورند قلب‌های غافل و خوابیده را و به نوش می‌سازند لب‌های خشک و تشنه را؛ شهدا، در میان بت‌ها ابراهیم‌اند، در میان فرعون‌ها موسی‌اند و در میان بلاها ایوب‌اند.

وبلاگ چمدان آبی در آخرین مطلب خود آورده است: در ایام جنگ تحمیلی، آن زمانی که مردم مقاوم دزفول در دو خاکریز می‌جنگیدند از طرفی فرزندان این شهر در جبهه حماسه می‌آفریدند و موشک‌های صدامی در سیاهی شب و روشنای صبح بر این شهر فرود می‌آمدند و عده‌ای از مردم بر اثر اصابت موشک به شهادت می‌رسیدند و عده‌ای را هم داغدار کرده و رخت تنشان را به عزا بدل می‌کردند، بودند عزیزان دست به قلمی که می‌نگاشتند سرود ایستادن را و می‌نوشتند رمز ایستادگی را.

و شهید بهمن پوردیان یکی از این نگارندگان دست به قلم بود، البته دست دیگرش سلاح و حضور در جبهه؛ یکی از دوستان نابم بود که مرا در اجرای برنامه‌های بزرگداشت شهیدان و تشییع پیکر پاکشان خصوص شهدای موشکی با قلمش یاری می‌داد؛ خدایش بیامرزد.

شهید بهمن پوردیان فرزند مرحوم علی داد و برادر پاسدار شهید حاجعلی بود که در سال ۱۳۴۰ در دزفول متولد و در سال ۱۳۶۳ در منطقه عملیاتی بدر و در کربلای خوزستان به فیض شهادت نائل آمد وی شهیدی از شهدای دفاع مقدس و اعزامی از دزفول بود که پیکر پاکش پس از سال‌ها به وطن بازگشته و در جوار کسانی آرمید که برایشان می‌سرود نوای رفتن را و می‌نگاشت راز ماندن را.

و این هم نمونه‌ای از دست‌نوشته‌های شهید بهمن پوردیان:

شهدا چه کسانی هستند؟

شهدا، باغبانان درخت توحیدند، راست قامتان جاودانه تاریخنند، به نور پیوستگان و از نار رهایی یافته گانند، جان باختگان راه عدل الهی‌اند. پرواز کنندگان بسوی معراج‌اند، قلب تپنده تاریخنند، قله نشین قرن‌هایند، شمع محفل بشریت‌اند، فرزندان امت‌اند، عزیزان امامند، تلاوت کنندگان قرآنند، مدافعان اسلامند، محرک هر جنبشند، جرقه هر انفجارند، شعله هر آتشند، آفتاب هر دل روشنند و

شهدا عاشقند، معشوقشان خداست، شاگردند، معلمشان حسین (ع) است، معلمند، درسشان شهادت است؛ مسلح‌اند سلاحشان ایمان است، مسافرنند، مقصدشان لقاء الله است، مستحکم‌اند، اتکالشان بر خداست، پیام دهنده‌اند، پیامشان دعا برای امام است.

شهدا، بهار گل‌هایند، باران ابرهایند، جوشش خون‌هایند، خروش موج‌هایند، شعله شمع‌هایند، شلیک گلوله‌هایند، زلال آب‌هایند، زبان دردهایند، رویش لاله‌هایند و ریشه انقلاب‌هایند.

شهدا، می‌سرایند سرود سرخ شهادت را، می‌شکافند سیاهی ستم ظلمت را، می‌شنوند وزش صبح عدالت را، می‌چشند طعم شیرین عبادت را و می‌پوشند لباس خونین شهادت را.

شهدا، ترس را ترسانند، مرگ را میرانند، شکست را شکستند، یأس را مأیوس کردند، عشق را در دل، اسلحه را در دست و شهادت را در آغوش گرفتند.

شهدا، محدثین کلام سرخ حسین‌اند، مبلغین فرهنگ شهادت‌اند، مفسرین آیات جهادند، مقلدین امام بُت‌شکنند و مفلحین هر فتح الهی‌اند.

شهدا، به جوش می‌آورند خون‌های سرد و بی‌حرکت را، به هوش می‌آورند قلب‌های غافل و خوابیده را و به نوش می‌سازند لب‌های خشک و تشنه را؛ شهدا، در میان بت‌ها ابراهیم‌اند، در میان فرعون‌ها موسی‌اند و در میان بلاها ایوب‌اند.

شهدا، آمدند: بر هیچ ستمی سجده نکردند، از هر بلایی استقبال کردند، تیر ابراهیم را بدست گرفتند و بر هر بتی شوریدند، ایمان اسماعیل را در دل جای دادند و آماده قربانی شدند، تمام مقصد را مکتب قرار دادند.

مسلخ عشق را بر مکتب کفر ترجیح دادند و مظلومانه یا رگبار گلوله بر پیکرشان نشست، یا ترکش خمپاره سینه پاکشان را درید و یا تنهای تنها، تشنه و سوخته در بیابان‌های گرم و خشک بر خاک افتادند و روح از بدنشان پرواز کرد.

شهدا، رفتند، اما پیامشان را به ما سپردند، چشم بستند اما گفتند دنیا چشمتان را نگیرد، رفتند تا به ما بفهمانند که رفتنی هستیم و توشه برداشتند تا ما از برداشتن توشه غافل نگردیم.

آری به راستی اینانند که آسمان تیره ظلمت را با قطرات خونشان سرخ کرده‌اند و اینانند که از پس کوه‌های انباشته شده از نومیدی فریاد امید را در گوش مستضعفان سر داده‌اند.



نفر ایستاده از چپ (شهید بهمن پوردیان) و در کنار ایشان دوستانشان که شما شناسایی خواهید کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۰۰۲/زیاد-شهید-ابراهیم-ها-بت-میان-دردها-یند-زیاد-شهید>